

ساسی مانکن در قطعه جدید خود دنبال چه چیزی است؟

موسیقی به وقت قبح‌زدایی



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

شاید اولین بار انتشار فیلم‌هایی از همخوانی دانش‌آموزان در مدارس با آهنگ «جنتمن» ساسی بود که زنگ خطری را درباره ذائقه نوجوانان جامعه ایرانی به صدا درآورد. امری که شاید پیش از آن کمتر به آن توجه می شد. نکته نگران‌کننده در این میان شنیدن آهنگی از خواننده به اصطلاح آن‌ور آبی نبود، بلکه محتوایی بود که مورد پسند قشر نوجوان جامعه قرار می‌گرفت، موضوعی که این نگرانی را به وجود می‌آورد که ذائقه نسل نوجوان به سمت محتواهایی گرایش پیدا کرده است که فارغ از چهارچوب اعتقادی جامعه ایرانی، در چهارچوب قواعد اخلاقی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و اصطلاحا رکیک است. سوالی که در این میان ایجاد می‌شد این بود که چرا و به جهت این محتواها مورد پسند نوجوانان قرار می‌گرفت. امری که شاید در پاسخ به آن بتوان از ریتم و فرم و استفاده از محتوای جنسی برای جذب مخاطب نام برد. اما این نوعی ساده‌انگاری است اگر تصور کنیم این محتوا بدون شناخت مخاطب و صرفا با استفاده از فرم و ریتم، مخاطب را جذب می‌کند. استفاده از محتوا و فضاهایی که در ذهن مردم ایران تبدیل به نوستالژی شده و ساخت کلیپ‌ها با استفاده از آن محتوا و طعنه‌ها و تمسخرهایی که در فرم انتخاب شده به جامعه و چهارچوب اعتقادی آن طعنه می‌زند از جمله مواردی است که می‌توان گفت؛ آهنگ‌های ساسی مانکن با شناخت مخاطب و به شیوه مهندسی شده تولید و به مخاطب عرضه می‌شود. در همین چهارچوب و با در نظر گرفتن این موارد، آهنگ جدید این خواننده خارج‌نشین با داشتن همان ویژگی‌های قبلی منتشر شده است. در این میان نگرانی جدی بعد از انتشار این کلیپ، مورد توجه قرار گرفتن آن توسط قشر نوجوان جامعه ایرانی است، امری که به نظر می‌رسد ساسی مانکن و سازندگان کلیپ‌های او تمرکز قابل توجهی بر این قشر و تغییر ذائقه‌اش در موسیقی گذاشته‌اند. موضوعی که به نظر می‌رسد در فقدان وجود یک برنامه‌ریزی و سیاستگذاری دقیق و شناخت نیازهای آنان برای تولید محتوا در چهارچوب اعتقادی و اخلاقی جامعه ایرانی در حال محکم کردن جای پای خود در میان نوجوانان است.

ضعف موسیقی که با محتوای رکیک پوشانده می‌شود

ساسی در آهنگ‌های پیشین خود از هر محتوا و قالبی برای تولید آهنگ‌های

خود استفاده می‌کرد و می‌کند. استفاده از محتوای فیلم «ابد و یک روز» تا

برنامه‌هایی کودکانه‌ای که جوانان دهه ۷۰ و ۸۰ با آن خاطره دارند، فرم‌هایی هستند که در چند آهنگ اخیر ساسی، مورد استفاده قرار می‌گیرد و چاشنی همه این قالب‌ها نیز شوخی‌ها و الفاظ رکیک جنسی است. بخش بیشتری از جذابیت آهنگ‌های ساسی در ویدئوکلیپ‌های او صورت می‌گیرد و در واقع ضعف آهنگ و شعر را با استفاده از تصاویر و موقعیت‌های ساخته‌شده می‌پوشاند. چیزی که در آهنگ جدید ساسی جدای از آهنگ‌های قبلی موردتوجه قرار گرفته است فارغ از محتوای رکیکی که در همه آهنگ‌های او وجود داشته و دارد وهن و تمسخر بخشی از مفاهیم اعتقادی جامعه ایرانی است. اگر در کلیپ‌های پیشین محتوا غیراخلاقی که در کلیپ ساسی مخاطب آن را در فرم و محتوای غیراخلاقی مثلا در قاب تلویزیون می‌دید مشاهده می‌شد، این بار به نظر می‌رسد تمرکز این کلیپ بر مورد حمله و تمسخر قراردادن مفاهیمی است که در نگاه تمام مردم جامعه مقدس است. در این میان اهمیتی ندارد که آهنگ جدید در فرم و محتوای موسیقی ضعف دارد، آنچه مهم است این است که این محتوا مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرد. با این حال همچنان این سوال وجود دارد که چه وجهی از مخاطب‌شناسی برای ساخت این کلیپ‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد که انتشار آن با واکنش جامعه همراه می‌شود. برای بررسی این موضوع با فرزانه فخریان، پژوهشگر و زبان‌شناس فرهنگی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

یک پرده‌دری و بی‌پروایی تیز در این آهنگ وجود دارد

فخریان ابتدا در پاسخ به اینکه چرا این محتواها مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرد، می‌گوید: «قبل از هر تحلیل محتوایی این را در نظر بگیریم که دانستن قاعده بازی این بازار مهم‌ترین مزیتی است که باعث می‌شود به چنین آهنگی توجه شود، یعنی روی فاصله بین بخش قطعات دقت کرده‌اند و مخاطب منتظر است، تبلیغات تیزری و شمارش معکوس برای انتشار کامل صوتی هم کاملا دقیق و گسترده پیش رفته، حتی به گمانه‌زنی درمورد زمان پخش نسخه تصویری هم با مهندسی مصرف دامن زده می‌شود!این نحوه تبلیغات را مثلا در مورد وارد شدن یک نسخه جدید از تلغن هوشمند در دنیا می‌بینیم. آهنگ‌های ساسی هم در فضای مجازی حساسی پخش می‌شود اما در زندگی روزمره و البته خصوصی‌تر بخش مهمی از مردم جا باز می‌کند، کجا؟ در خودروها، در دوره‌های ها و میهمانی‌ها، در وقت‌گذرانی‌ها،

در پارک، سفر و فراغت.»

او به بررسی چندلایه از آهنگ جدید ساسی می‌پردازد و یکی از وجه‌های مورد توجه قرار گرفتن این موسیقی را ارجاعات و نکاتی می‌داند که در آهنگ به خورد مخاطب داده می‌شود و می‌گوید: «لایه اول، متن آهنگ‌هاست که برای عموم هم قابل فهم است هم قابل خواندن. این ساذگی را که به خصوص در بخشی از متن تکرار می‌شود، می‌بینیم. همین را مقایسه کنید با قطعات متعددی که به این نسبت در خاطر شنونده نمی‌ماند و نمی‌توانند تکرارش کنند. در لایه دوم متن، باز ارجاع‌ها و نکاتی وجود دارد که باعث می‌شود شنونده احساس کند چیزی را می‌شنود که با زندگی برایش حرف‌هایی دارد، مثلا قسمتی که اشاره به دورویی می‌کند. پس آهنگ در جای خودش ضربات محتوایی هم به ذهن مخاطبش می‌زند. از همه مهم‌تر، یک جور پرده‌دری روشن و بی‌پروایی تیز در این قطعه هم هست و متأسفانه موردپسند واقع می‌شود. دلپیش این است که بیان این محتواها هنوز در جامعه ما حرمت دارد و شنونده در یک آهنگ، احساس افتاح بیانی می‌کند؛ هرچند در طول زندگی‌اش، هرگز چنین عباراتی را خودش یا نخواهد یا نتواند استفاده کند.»

همراهی و جذب این‌طور قطعات دفعتی است

فخریان در پاسخ به این سوال که چرا بیشتر آهنگ‌های ساسی مورد توجه قشر نوجوان قرار می‌گیرد، توضیح می‌دهد: «دلیل اقبال قشر نوجوان به این قطعات را همین اشاره به مفاهیمی می‌دانم که بیانش معمول نیست و گویا برایشان مفرح است. در نوع آهنگسازی و تنظیم و تنوع درونی قطعه همچنین آزادی را می‌توان تحلیل کرد؛ نوجوان و جوان چیزی را می‌شنود که برای ذائقه تربیت‌نشده او خوراک دارد. هم می‌تواند تکرارش کند، هم با آن دایسمش بسازد و در شبکه‌های اجتماعی احساس نقش آفرینی کند.» فخریان در ادامه به این موضوع نیز اشاره می‌کند که اهمیتی ندارد این کلیپ چقدر ماندگار است، بلکه آن تأثیر آتی خود را می‌گذارد و می‌گوید: «همراهی و جذب این‌طور قطعات دفعتی است و ادامه بعدش دیگر مهم نیست، چون خیلی عمیق جای خودش را باز می‌کند. با این معیار نسنجم که تا چه زمانی این قطعه هر روز شنیده می‌شود بلکه در نظر بگیریم که این قطعات طوری نفوذ می‌کنند که هرگز فراموش نمی‌شوند و حرفی که در آن می‌زند هرچند سخیف است اما در حافظه جمعی نوجوان و جوان با تمام جزئیات ماندگار است.» این پژوهشگر حوزه فرهنگی در ادامه این نکته را مورد اشاره می‌دهد

تقابل اوپک پلاس و کاپ ۲۸؛ لحظه حقیقت کجاست؟



علی آهنگر

پژوهشگر حوزه انرژی

پنجمشنبه، نهم آذر ۱۴۰۲ روزی تاریخی در دنیای نفت و انرژی‌هایی رقم خورد که از آنها با نام پاک یا تجدیدپذیر یاد می‌شود. در این روز از یک سو نشست به‌تعمیق افتاده سی‌وششم اوپک پلاس به‌صورت آنلاین برگزار شد و از سوی دیگر نشست برنامه‌ریزی شده کاپ ۲۸ با اهداف اقلیمی و آب‌وهوایی از سوی سازمان ملل متحد در کشور امارات آغاز شد. امارات در این نشست، چنانکه محمدبن زاید در بیانیه‌اش اعلام داشت، میزان بیش از ۷۰ هزار مهبمان از ۱۹۸ کشور جهان از سران کشورها، رهبران دولت‌ها، وزیران، مقام‌های شرکت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و کارشناسان رسانه‌ای برای مدت دوهفته متوالی خواهد بود. نشست وزیران نفت ائتلاف اوپک از آن جهت اهمیت وافر داشت که با وجود انتهاب‌های ژئوپلیتیکی در جهان از جنگ اوکراین گرفته تا هجوم ناجرانمردانه رژیم صهیونیستی به غزه، نفت اما مسیر سراسیسی سقوط را درپیش گرفته بود. نفت که در ۲۸ سپتامبر یعنی تنها ۱۰ روز پیش از آغاز جنگ غزه در ۹۴ دلار در هر بشکه خودنمایی می‌کرد و به‌گفته بولمرگ هر آن احتمال داشت که بر صدر ۱۰۰ دلاری بنشیند، نگاه از آغاز ماه اکتبر روندی کاهشی به خود گرفت و به طرز ناباورانه در ششم اکتبر به ۸۴ دلار در بشکه فروغلتید. هیچ‌کس برای این کاهش رمزآلود بهای نفت هیچ سخنی نداشت که حیرت و ناباوری به هزار زبان در سخن بود. جنگ غزه که در صبحگاه هفتم اکتبر آغاز شد، در نوزدهم اکتبر توانست بهای نفت را تا ۹۳ دلار بالا ببرد که هنوز از فضای آرام پیش از جنگ در ۲۸ سپتامبر دو دلار در هر بشکه فاصله داشت. شانزدهم نوامبر اما روز سخته نفت بود. در این روز نفت در یک شبوک کاهشی با چهار دلار کاهش به ۷۶ دلار در هر بشکه درغلنید. عبدالعزیز بن سلمان، وزیر نفت سعودی چاره‌ای نداشت جز آنکه این سقوط را نه به اصول مبتیانی بازار، که به ترند سفته‌بازان نسبت دهد. اما واقعیت این بود که اقتصاد جهانی نشانه‌هایی از ضعف در خود بروز می‌داد و در سمت عرضه، تعداد بشکه‌ها از میزان تقاضا پیشی گرفته بود. با لایشگاه‌های شانددوگ چین هم قوری‌هایشان را به تعمیر یا بهانه به استراحت فرستاده بودند. کشتی‌های نفت در سواحل شانددوگ لنگر انداخته، ملوانان چای در ساحل می‌نوشیدند. در این شرایط هیچ چیز

نمی‌توانست به نجات نفت کمک کند، آنچنان‌که گزارش روز ۱۷ نوامبر فایننشال تایمز توانست به یاری نفت بیاید. در فردای روز سخته نفت، این نشریه انگلیسی در گزارشی نوشت ائتلاف اوپک به رهبری عربستان سعودی قصد دارد در نشست آینده خود بار دیگر از میزان تولید بکاهد تا سطح عرضه محدود شود و تقاضا به دنبال بشکه‌های نفت بگردد. این گزارش و شایعه‌های پس از آن کافی بود تا بار دیگر نفت را در کانال ۸۰ دلار در هر بشکه قرار دهد. از اینجا به بعد، چشم‌ها به روز دوشنبه ۵ آذر دوخته شد؛ روزی که قرار بود نشست سی‌وششم اوپک پلاس برگزار شود. اما نگاه در ۲۲ نوامبر دبیرخانه اوپک بدون هیچ توضیحی اعلام کرد نشست سی‌وششم با چهار روز تاخیر در ۹ آذر برگزار خواهد شد. این خبر کاهش سه دلاری نفت را در پی داشت. از این سو و آن سواين خیر زرمزه می‌شد که عربستان سعودی که خود بار زیادی از میزان کاهش‌های برنامه‌ریزی شده و داوطلبانه را بر دوش می‌کشد، از رعایت نشدن سهمیه کاهش از سوی تعدادی از اعضا ناراحت و خشمگین است. در آستانه نشست سی‌وششم در روز پنجمشنبه ۹ آذر اما به‌تدریج خبرهایی مبنی‌بر تصمیم عربستان برای کاهش بیشتر، قیمت نفت را در عصر روز پنجمشنبه از ۸۴ دلار در هر بشکه فراتر برد. نشست سی‌وششم اوپک پلاس اما نخواست تا نتوانست تصمیمی بهتر از کاهش‌های روی کاغذ و داوطلبانه بگیرد؛ تصمیمی که بازار نفت را خوش‌نایامد و با کاهش چهار دلاری و بازگشت دوباره به ۸۰ دلار واکنشی منفی از خود نشان داد. در باقی‌مانده اندک سال ۲۰۲۳ و در اردوگاه انرژی‌های فسیلی به نساد رهبری اوپک؛ و اردوگاه انرژی‌های تجدیدپذیر بناماد و نمایندگی آژانس بین‌المللی انرژی، با عریان‌ترین شیوهای دربرابر یکدیگر صف آراستند و موضع گرفتند. تقابلی که در طول تاریخ تاسیس و سازمان سابقه نداشت. تقابلی که نشان از رویارویی عریان نفت و سوخت‌های فسیلی با انرژی‌های تجدیدپذیر داشت. تقابلی که در اردوگاه را در یک لحظه حقیقت برای تصمیم واقع‌نگری قرار می‌دهد. نخستین حمله از سوی آژانس بین‌المللی انرژی به سمت اردوگاه انرژی‌های فسیلی انجام شد. کاپ ۲۸ رئیس آژانس انرژی در ۲۳ نوامبر پشت صفحه تاپت نشست و بیانیه‌ای تند علیه نفت و انرژی‌های فسیلی در آستانه نشست کاپ ۲۸ در دبی منتشر ساخت. او در این بیانیه ابراز داشت: «اکنون لحظه حقیقت برای تولیدکنندگان نفت و گاز فرارسیده است، اینکه باید مشخص

کنند آیا با تولید بیشتر نفت و گاز در مسیر دامن زدن به بحران آب‌وهوایی هستند یا با کاهش تولید و پیوستن به انرژی‌های تجدیدپذیر، در سمت کمک به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای قرار می‌گیرند؟ او در این بیانیه اظهار داشت تقاضای جهانی نفت و گاز تا سال ۲۰۳۰ به اوج می‌رسد و اگر دولت‌ها به تعهدات اقلیمی خود عمل کنند، تقاضا تا سال ۲۰۵۰ بیش از ۷۵ درصد نسبت به سطح کنونی کاهش خواهد یافت. فاتح بیرویل بار دیگر از ۸۰۰ میلیارد دلاری که سالانه در بخش نفت و گاز سرمایه‌گذاری می‌شود، انتقاد کرد و افزود این سرمایه باید از انرژی‌های فسیلی به سمت انرژی‌های پاک منتقل شود. رئیس آژانس بین‌المللی انرژی، استراتژی‌کننده‌های تولیدکننده نفت و گاز مبنی‌بر کرین‌زدایی از این صنعت را خیال‌پردازانه و توهم خواند و گفت برای رسیدن به گرمایش ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد هیچ راه‌جز کاهش ۷۵ درصدی تولید نفت و گاز تا ۲۰۵۰ وجود ندارد. او در نهایت گفت تولیدکنندگان نفت و گاز باید بین همسویی در تشدید بحران آب‌وهوایی یا تغییر به سمت انرژی‌های پاک، یکی را برگزینند که این لحظه رویارویی با حقیقت است. اما لحظه حقیقت کجاست؟ لحظه حقیقت آیا همین‌گونه است که فاتح بیرویل آن را تصویر می‌کند یا حقیقت چیز دیگری هم هست که او به بیان آن نمی‌پردازد؟ آنچه بیرویل می‌گوید شاید بخشی از حقیقت باشد، اما بی‌گمان همه حقیقت نیست. او همچنان که هشم الغیس، دبیرکل اوپک در بیانیه ۲۷ نوامبر خود که پاسخش را داد؛ به‌طور مصلحت‌آمیزی مساله‌های مهمی مانند امنیت انرژی، دسترس بودن انرژی و مقرون به‌صرفه بودن انرژی را بر یاد می‌برد. او آشکارا صنعت نفت و گاز را به ایجاد بحران آب‌وهوایی متهم می‌کند و خود را در جایگاهی قرار می‌دهد که برای آینده صنعت نفت و گاز دستور صادر کند و فرمان بدهد. هشم الغیس از اینکه فاتح بیرویل به‌کارگیری فناوری کرین‌زدایی را یک توهم می‌داند به شدت و با انتقاد می‌کند و می‌گوید فناوری کرین‌زدایی از صنعت نفت و گاز بهترین شیوه در برخورد با این صنعت در امنیت انرژی آینده جهان است. دبیرکل اوپک در پاسخ به بیرویل می‌افزاید: «حقیقتی که باید گفته شود بسیار ساده و واضح است و آن اینکه چالش‌های پیش‌روی انرژی بسیار زیاد و پیچیده است و نمی‌توان آن را به سوالی دو گزینه‌ای محدود کرد که یا همراه با ما و انرژی‌های پاک هستید یا علیه ما و در مقابل مان صف آراسته‌اید.» امنیت انرژی، دسترسی به آن و مقرون به‌صرفه بودنش سه گزینه

که محتواهایی که بعضا توسط این خواننده تولید می‌شوند، بی‌محتوانیستند و توضیح می‌دهد: «یک وقتی ما به یک محصولی می‌گوییم بی محتوا، یعنی حرف ارزشمندی برای گفتن ندارد اما درمورد این قطعات چنین تحلیلی دیگر جواب نمی‌دهد چون مردم این محصول را به‌هرحال می‌شنوند. پس در حال انتقال یک محتوایی است. این محتوایی است که ما به آن می‌گوییم رکیک و عده‌ای به آن می‌گویند بحال و راحت با آن می‌خندند و سرخوش می‌شوند. اینکه گمان کنیم ساسی آهنگی را می‌دهد که وجه حرفه‌ای موسیقی و ماندگاری کلش مهم باشد یک خطای بزرگ تحلیلی است. به ترجیح‌بند این آهنگ نگاه کنید: همین که «آمین یا رب العالمین» را به این فضا و بیان پرده‌در کشانده، برایش کارکرد موثر دارد. یا مشابهت لحن «وای ساسی کشته شد» به «وای حسین کشته شد» را ببینید که چطور به یک بخش محترم در حافظه مذهبی جامعه، ضربه می‌زند. برای ساسی اصلا مهم نیست که این آهنگ بماند یا نماند یا اینکه چقدر گوش بدهند یا ندهند. برای او مهم این است که از اینجا به بعد کسانی که این آهنگ به گوش‌شان خورده عبارت آسین یارب‌العالمین به این آهنگ و موقعیت تلنگر می‌زند و دیگر یاد یک امر مقدس، محترم و ارزشمند نیست. حتی آن لحنی که می‌گوید وای ساسی کشته شد یادآور دیگر گزاره دینی و مذهبی ماست و این آهنگ می‌خواهد این عبارت را هم از آن خودش بکند، یعنی ارزش و اختصاصی بودن آن برای یک فضا را هم از آن بگیرد و مال خودش بکند. چه کسی این عبارت را شنیده باشد و چه نشنیده باشد هربار آن عبارت اصلی را بشنود یاد این موسیقی و فضای مبتذل می‌افتد.»

فخریان درباره اینکه آیا این کلیپ نیز مورد توجه مردم در جامعه قرار خواهد گرفت نیز می‌گوید: «برای اینکه این برداشت را کنیم زود است. به نظر من فرصت بدهییم یک‌آخر هفته دیگری هم بگذرد و اینکه چقدر در میهمانی‌های مشروع یا نامشروعی که برگزار می‌شود این آهنگ پخش می‌شود. اما آهنگ‌های ساسی زمانی ضربه اصلی را می‌زند که نسخه تصویری منتشر می‌شود. بعد از آن این نسلی که درباره‌اش حرف می‌زنیم سکوت می‌کند و یواشکی بین جمع خودش می‌خندد یا آنجایی که می‌خواهد دورویی یک خانم را نشان دهد احساس می‌کند که دارد حرف جامعه را می‌زند. درحالی‌است که دارد یک واقعیت‌زننده را می‌گوید اما هنوز برای قضاوت اینکه ایرال می‌شود یا نه زود است. هنوز توی فلتش‌ها و موبایل‌ها ریخته نشده. هنوز توی ماشین‌ها نرفته است.»



شنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۲



شماره ۴۰۲۲



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

ادامه از صفحه ۲